



# ایدئولوگ انسدادگرا

## سیاست خارجی مدنظر سعید جلیلی چگونه است؟

این نامه غلط املائی متعددی داشتند؛ از جمله در بالای نامه به جای نوشتن عبارت non paper که به عنوان غیررسمی با تفاهم شفاهی و غیرمکتوب است، روی آن none paper نوشته بود که به معنی غیرکاغذی است.

سعید جلیلی هر بار پس از مذاکرات بی نتیجه یا ۵+۱، محل جدیدی را برای دور بعدی مذاکرات تعیین می کرد که به سوزن رسانه های داخلی و خارجی تبدیل شده بود. وندی شرمن که در دولت دوم باراک اوباما و با استغای برنز، نماینده اصلی آمریکا در مذاکرات شد، در کتاب خاطراتش با عنوان «ترس یعنی شکست؛ درس هایی درباره شجاعت، قدرت و سرسختی» می نویسد که چطور پس از هر دور از مذاکرات، هلگا اشسمیت، معاون اشتون باید منتظر تلفن علی باقری، نفر دوم جلیلی می ماند تا محل مذاکرات تازه ای که جلیلی و همکارانش در آن احساس راحتی می کردند را به آن پیشنهاد دهد.

و این توصیف سال ها ائتلاف عمر و هزینه ملتی بود که دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی منافع ملی شان را به گروگان گرفته بود.

سعید جلیلی از سال ۱۳۸۶ تا ۱۹ شهریور ۱۳۹۲ دبیر شورای عالی امنیت ملی و رئیس گروه مذاکره کننده هسته ای ایران با کشورهای غربی بود. در سال ۱۳۹۲ در یازدهمین دور انتخابات ریاست جمهوری نامزد شد، و بیش از ۴ میلیون رای کسب کرد و نفر سوم شد. جلیلی از همان سال عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است. جلیلی همچنین در سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ به عنوان کاندیدا ثبت نام کرد، و دوروی پیش از برگزاری انتخابات به نفع سید ابراهیم رئیسی از شرکت در انتخابات انصراف داد اما این بار تاکید دارد که تا پایان در رقابت حضور خواهد داشت.

خود با عنوان «گفت و گوهای پشت پرده» روایت کرده است، پس از اولین دیدارش با دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی ایران، در یادداشتی کوتاه به کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه وقت آمریکا می نویسد که «گفت و گوی امروز با ایرانی ها به وضوح به من یادآوری کرد که احتمالاً در چند سال گذشته چیزی از دست نداده ایم».

همچنین گفته می شود که در اولین مذاکراتی که به سرپرستی جلیلی با خاویر سلوانا، مسئول وقت سیاست خارجی اتحادیه اروپا صورت گرفت؛ مذاکره کننده ارشد ایرانی خطابه ای طولانی درباره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در اتاق مذاکرات برای افراد خوانده بود؛ موضوعی که اعضای هیئت آمریکا آن را بی ارتباط با دستور کار و نتیجه آن رافرسایش و خستگی افراد حاضر در سالن گفت و گو خواندند.

کاترین اشتون که پس از سلوانا، مسئولیت مذاکره با ایران را به عهده می گیرد نیز در کتاب خاطراتش با عنوان «و بعد از آن چه؟» می نویسد: «در طول دو سال اول من، ماهفت جلسه در سوئیس، ترکیه، عراق، روسیه و قزاقستان برگزار کردیم اما پیشرفت چندانی نداشتیم. من و دکتر جلیلی، کاندیدای ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۹۲، ساعت ها با هم صحبت کردیم و در این بین نامه ها و تلفن هارد و بدل شد اما به جایی نرسیدیم.»

حسین موسویان، یکی از مذاکره کنندگان ایرانی برنامه هسته ای نیز در کتاب خاطراتش با عنوان «روایت بحران هسته ای ایران» از یک فاجعه دیپلماتیک در دوران مذاکرات جلیلی پرده برمی دارد و در خصوص «طنز آمیز» خواندن یکی از پیشنهادات دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران می نویسد: «دلیل تمسخر آمیز بودن با این پیشنهاد نه فقط غلط های تایپی بلکه یک جنبه گری موجود در آن بود که باعث می شد دیپلمات های حاضر در جلسه آن را گنگ و نامفهوم بدانند. هیئت ایرانی به رهبری جلیلی در

کارنامه  
دیپلمات

فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی



«در حالی که به سعید جلیلی که در مقابل نشست بود نگاه می کردم، بیانی های کوتاه و ساده را قرائت کردم. ابراز امیدواری کردم که ایرانی ها پیام حضور ما در مذاکرات را دریافت کرده باشند. جلیلی به دقت سخنان مرا یادداشت می کرد و در طول سخنانم لبخند به لب می آورد. در ادامه نطقی ۴۵ دقیقه ای درباره تاریخ و فرهنگ ایران ایراد کرد که در جای جای آن بر نقش سازنده ایران در منطقه تاکید شده بود. او زمانی اشاره کرد که هنوز به صورت پاره وقت در دانشگاه تدریس می کند. آن جا بود که احساس کردم اصلاً به دانشجویانش حسادت نمی کنم.»

این جملات، توصیف ویلیام برنز، رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا و معاون وقت وزیر امور خارجه ایالات متحده پس از گفت و گویی ۴۵ دقیقه ای در زمان قدم زدن در فضای سبز، با دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی و مذاکره کننده ایرانی، سعید جلیلی در سال ۲۰۰۹ است؛ دیداری که هیچ گاه تصویری از آن منتشر نشد تا جلیلی و طرفدارانش بتوانند قدم زدن محمدجواد ظریف با وزیر امور خارجه آمریکا را مورد حمله قرار دهند.

این دیپلمات با سابقه آمریکایی که جزئیات دیدار و گفت و گو با جلیلی را در کتاب خاطرات



آنچه در این ستون می خوانید، دیدگاه های رسانه های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع رسانی منتشر می شود و این دیدگاه ها موضع روزنامه «هم میهن» نیست.

AL·MONITOR

### انتظار چین از انتخابات ایران

این سوال که آیا رئیس جمهور بعدی ایران مواضع فعلی ضد غربی و ضد آمریکایی ایران را حفظ خواهد کرد و به دنبال بهبود روابط با پکن خواهد بود، مهمترین نکته در ذهن سیاستمداران چین است. از زمان سقوط بالگرد حامل ابراهیم رئیسی، چین با دقت تحولات ایران را رصد کرده است. مهمترین سوال این است که جانشین رئیسی چه کسی خواهد بود؟ در چین، به طور گسترده اذعان می شود که رهبر معظم انقلاب، بدون توجه به اینکه چه کسی در انتخابات ۲۸ ژوئن برنده می شود، کنترل مستقیمی بر جهت گیری های آینده سیاست داخلی و خارجی ایران در دست خواهد داشت. با این حال، رئیس جمهور بعدی ایران در استراتژی های سیاست خارجی این کشور از جمله در رابطه با چین نقش خواهد داشت. چین بیش از همه نگران این است که آیا رئیس جمهور بعدی موضع ضد غربی و ضد آمریکایی ایران را حفظ می کند و در عین حال روابط اقتصادی قوی تری با پکن را دنبال می کند یا خیر؟ این موضع نقطه تلاقی همسویی دو جانبه بین پکن و تهران و دیدگاه مشترکی بوده است که پایه و اساس همکاری و همکاری بین چین، روسیه و ایران را به عنوان مقابله با نفوذ غرب ایجاد کرده است. از این نظر، شاید هیچ نامزد ریاست جمهوری نتواند سیاستی را که رهبر معظم کشور، تعیین می کند، زیر پا بگذارد، اما اعتقاد و رویکرد سیاسی او ناگزیر بر محاسبات چین و در نتیجه دامنه و عمق همکاری چین و ایران تأثیر خواهد گذاشت. چین با هر کسی که رهبری ایران او را تأیید کند و در انتخابات پیروز شود، کار خواهد کرد. اما این بدان معنا نیست که چین اولویت های خودش را ندارد. پکن میایل است رئیس جمهوری را در ایران ببیند که به اندازه کافی به برنامه ضد غربی وفادار باشد تا همسویی استراتژیک بین ایران و چین در منطقه را پیش ببرد، اما نه فردی که آنقدر رادیکال باشد که ایران را از آستانه هسته ای عبور دهد و وارد درگیری های منطقه ای با اسرائیل و آمریکا شود. چین می خواهد رئیس جمهور ایران آنقدر عمل گرا باشد که سیاست های اصلاحی را برای بهبود وضعیت اقتصادی داخلی کشور اتخاذ کند، اما آنقدر لیبرال نباشد که ایران را در معرض خطر بالقوه یک «انقلاب رنگی» غربی قرار دهد. در نهایت، چین از رئیس جمهور بعدی ایران می خواهد که به تلاش های دیپلماتیک رئیسی برای بهبود روابط با کشورهای عربی خلیج فارس ادامه دهد. به هر حال، در چشم انداز چین برای معماری جدید امنیتی در خاورمیانه، آشتی بین ایران و کشورهای خلیج فارس، از طریق یک پلتفرم گفت و گوی چند جانبه، برای مذاکره و رسیدگی به نگرانی های امنیتی آنها، جایگاهی مرکزی در نگاه این کشور به آینده خاورمیانه دارد. از میان شش نامزد انتخابات ریاست جمهوری، پنج تن از آنها محافظه کار هستند. از بین سه نفر اول، قالیباف و جلیلی در اردوی اصولگرایان حضور دارند و پیشکیمان تنها اصلاح طلب است. اگر چه به نظر می رسد محافظه کاران پیش از این دست برتر را داشته باشند، اما به نظر می رسد که سه دور اول مناظره های ریاست جمهوری محبوبیت پیشکیمان را بسیار افزایش داده است. او از کاهش تنش با غرب و سیاست های معتدل تر در مورد مسائلی مانند حجاب حمایت کرده است. بسته به میزان مشارکت، اگر جوانان ایرانی انگیزه رای دادن در انتخابات را داشته باشند، اصلاح طلبان شانس معقولی برای پیروزی دارند. در حالی که چینی ها بر این باور نیستند که نتیجه انتخابات می تواند تغییرات قابل توجهی در جهت گیری کلی کشور ایجاد کند، اما نامزد اصلاح طلب شانس بیشتری برای بهبود روابط با غرب دارد و در نتیجه فشار ایالات متحده بر چین را در خصوص مرادفات تجاری با ایران کاهش می دهد. در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی بود که ایران برنامه جامع اقدام مشترک را با جامعه جهانی امضا کرد و تجارت نفت با چین افزایش یافت. در مقابل، زمانی که ایران یک رئیس جمهور محافظه کار داشت، همکاری اقتصادی چین با ایران اغلب محدودتر بود. به همین دلیل است که اگر چه چین در زمانی که روحانی رئیس جمهور بود، طرح ۲۵ ساله ۴۰۰ میلیارد دلاری همکاری با ایران را امضا کرد، اما اجرای ملموس این طرح در زمان رئیس جمهور رئیسی اندک بود. در حالی که چین می خواهد سیاست های عمل گرایانه ایران را ببیند که ثبات بخش و مساعد برای تجارت هستند، متوجه بالانس قدرت ظریف در ایران است. در هر صورت، رئیس جمهور بعدی ایران با چالش های زیادی از سیاست تا اقتصاد، از امور داخلی تا استراتژی سیاست خارجی مواجه خواهد بود.